

میزگرد «شرق» درباره چگونگی رونق شبکه نمایش خانگی با حضور اسماعیل عقیفه، ایرج محمدی و دبیر آیفیک

نمایش خانگی روی لبه تیغ



فرانک آرتا

برگزاری چهارمین جشنواره فیلم «یاس» فرصتی را فراهم کرد تا به وضعیت فیلم‌های شبکه نمایش خانگی نگاهی بیندازیم و موقعیت فعلی آن را ارزیابی کنیم. اینکه سریالی همچون «شهرزاد» که می‌توانست در تلویزیون ساخته شود، بنا بر دلایلی در شبکه نمایش خانگی ساخته و پخش شد، می‌تواند اتفاق میمون و مبارکی باشد. اما مگر چند سریال نظیر «شهرزاد» داریم که توانسته به چنین موفقیتی دست یابد؟ با این هدف، آسیب‌شناسی شبکه نمایش خانگی را با دو نفر از تهیه‌کنندگان معروف تلویزیون آقایان اسماعیل عقیفه و ایرج محمدی بررسی کردیم. ضمناً در این نشست علی شیرمحمدی، دبیر آیفیک (انجمن صنفی شرکت‌ها و مؤسسات فیلم‌سازی ایران) حضور داشت.

❧ وقتی متوجه شدیم قرار است تهیه‌کنندگان تلویزیون به شبکه نمایش خانگی روی خوش نشان دهند، سؤالات متعددی برام پیش آمد. نگاه‌تان به عنوان تهیه‌کننده‌ای که در تلویزیون ایران اعتباری دارد، به شبکه خانگی چگونه است؟

محمدی: اینجا صرفاً به عنوان تهیه‌کننده تلویزیون صحبت نمی‌کنم. در زمان کنونی انواع و اقسام رسانه‌های تصویری در مدیوم‌های مختلف وجود دارند که در چند سال گذشته بخش نمایش خانگی قرار بود کمک‌حال سینمای ایران باشد با گستردگی مخاطب و جنس کار که باعث شد رسانه نمایش خانگی به یکی از رسانه‌های تصویری برای مخاطبان خودش تبدیل شود. مثلاً انواع و اقسام فیلم‌های آموزشی، مستند، برنامه‌های ترکیبی و تله‌فیلم‌ها و به تازگی هم چندین سال است سریال‌های داستانی در نمایش خانگی تهیه می‌شود. به نظر به عنوان یک تهیه‌کننده نمایش خانگی یک گزینه از گزینه‌های مختلف رسانه‌های تصویری در کشور است مثل مدیوم سینما، تلویزیون و... و هیچ کدام از اینها در حال تضعیف هم نیستند، بلکه می‌شود گفت تکمیل‌کننده هم هستند. رقابتی هم داخل این مجموعه وجود ندارد اما به عنوان یک تهیه‌کننده هرکسی که توانایی‌اش را داشته باشد، می‌تواند در بخش نمایش خانگی هم فعالیت کند.

با پیشرفتی که تکنولوژی در چند دهه اخیر داشته فیلم‌سازی به نسبت زمان قدیم سهولت بیشتری پیدا کرده و تأثیرش در همه کشورها به افزایش تولید گونه جدیدی منجر شده که ما در ایران سریال‌های نمایش خانگی می‌نامیم که این نکته منحصر به ایران نیست. در همه کشورها سریال‌سازی تحول اساسی پیدا کرده و آن هم ورود بخش خصوصی به این عرصه است. در ایران هم با تأخیر ۱۰،۱۵ ساله این کار انجام شده. در شبکه یمایش خانگی فرصت خوبی وجود دارد که این امکان را به امکان فیلم‌سازی به‌طورکلی در ایران اضافه کنیم. قبلاً فقط سینما و تلویزیون بود و الان بازار کار جدیدی تحت عنوان نمایش خانگی ایجاد شده که اینها را به هیچ‌وجه در رقابت با هم نمی‌بینیم. بلکه در عرض هم هستند و اتفاقاً اگر رقابتی باشد درونی است و می‌تواند منجر به این باشد که هر کدام از این عرصه‌ها کیفیت خودشان را برای جذب مخاطب بالا ببرند. باید حضور نمایش خانگی را در عرصه تولیدات معتتم بشماریم.

علی شیرمحمدی: درباره جشنواره که در زمینه نمایش خانگی است و حوزه ویدئو را دربر می‌گیرد، به عنوان دبیر آیفیک چون اکثر تهیه‌کنندگان مطرح کشور عضو آیفیک هستند و اعظم تولیداتی که در حوزه ویدئو در تلویزیون با بقیه مدیوم‌ها، خیلی دوست داریم فعال باشیم و این فعالیت را امسال و سال گذشته در جشنواره «یاس» داشته‌ایم. آیفیک چندین کارگاه آسیب‌شناسی با همکاری جشنواره ساس برگزار کرده که به گفته دوستان تهیه‌کننده، بسیار مشر‌ثر بوده. امسال هم از تندیس بهترین فیلم از نگاه داروان آیفیک رونمایی داشتیم. رویکرد ما به ماجرا صنفی است و امیدواریم در سال‌های آینده بتوانیم تعاملات بیشتری داشته باشیم.

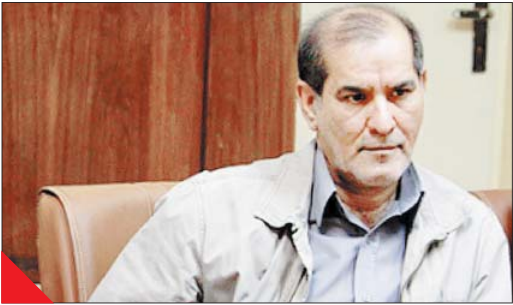
❧ یعنی تمایل ندارید سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی را در مقابل تلویزیون قرار دهید. به‌هرحال، شما با کارهایی که کرده‌اید سقف تولیدات تلویزیون را نشان دادید. به‌هرحال، سازمان صداوسیمای دولتی است و طبق قانون اساسی، اجازه نداریم شبکه‌های خصوصی را تأسیس کنیم. اما با توجه به مخاطب‌شناسی که در چند سال اخیر صورت گرفته، مخاطبان تلویزیون ریزش پیدا کرده‌اند و از طرفی مردم ما نیازمند خوراک هنری‌اند. چه چیزی بهتر از اینکه در بخش سینما این اتفاق بیفتد که فضایی را ایجاد کند تا بتواند سریال‌های نمایش خانگی داشته باشد که نمونه موفق اخیرش سریال «شهرزاد» است. اگر بخواهیم به مفهوم واقعی تهیه‌کننده نزدیک شویم، تهیه‌کننده در بخش خصوصی معنای درستی پیدا می‌کند و در مؤسسات دولتی بیشتر به عنوان «مجری طرح» مطرح است. حالا به عنوان تهیه‌کنندگان مشهور تلویزیون، آیا این گنجایش وجود دارد که در تلویزیون سریالی از نوع «شهرزاد» بسازید و پشت ایده‌های نو بایستید و مخاطب را به سمت خودتان جلب کنید؟ اصلاً واقعیت‌های روز جامعه ما در عرصه تهیه‌کنندگی چیست؟

اسماعیل عقیفه: یعنی در نمایش خانگی الان تهیه‌کنندگی به معنی استاندارد جهانی‌اش اتفاق افتاده؟ قطعاً نه. به دلیل اینکه هر نهادی در کشور ما برای خودش ضابطه‌ای دارد و مثل جزایر کنار هم عمل می‌کنند و ضابطه مشخصی بر ارشاد و تلویزیون حاکم نیست که اگر بود بهتر بود، اما هر جا ضوابط خودش را دارد. در نمایش خانگی تا‌به‌حال سریال‌های زیادی ساخته شده که با شکست مواجه شده‌اند. بعد از چند سال یک سریال ساخته شده که شرووعش با پیچه‌های تلویزیون بود. مشخص هم نیست این اتفاق دوام پیدا کند. تصور نکنید نمایش خانگی تافته جداافتاده و قرار است همه کارها مثل «شهرزاد» موفق باشد. بنده و آقای فتحي در تلویزیون کارهای پر مخاطبی ساخته‌ایم. در شبکه نمایش خانگی آدم‌ها از کرات دیگر نیامده‌اند.

همین افراد الان با پتانسیل فیلم‌سازی در تلویزیون، سینما و نمایش خانگی با هم و کنار هم کار می‌کنند. ما خیلی صنعت نمایش خانگی پیشرفته‌ای نداریم که بگوییم چند استودیو مثل «نت‌فیلیکس» فعال هستند و کارهای عجیبی می‌کنند. آنجا هم آزمایش و خطاست و تاکنون قدم‌های خطای بیشتری داشته‌اند. اتفاقاً آنجا احتیاج به آسیب‌شناسی دقیق‌تری داریم تا راه آینده‌اش را پیدا کند. به نظر الان شبکه نمایش خانگی در لبه تیغ حرکت می‌کند و ممکن است آینده آن منجر به شکست شود. اگر چشم‌مان را ببندیم با این استدلال که در شبکه نمایش خانگی دست تهیه‌کننده بازر و ضوابط پخش آسان‌تر است، خیلی نمی‌توان به نتیجه رسید. تا‌به‌حال کارهای ناموفق بسیاری در این حوزه داشته‌ایم. مهم این است چه کسی کار می‌کند و با مقوله سریال‌سازی چقدر آشناست. چقدر مخاطب می‌شناسد و چقدر دلش برای کاری که انجام می‌دهد، می‌سوزد. بقیه چیزها خیلی خط‌کنشی شده نیست، من الان در تلویزیون هستم و ممکن است فردا در نمایش خانگی کار کنم. اینها را در رقابت درونی با هم می‌بینیم. بعضی تهیه‌کنندگان سینما در وزارت ارشاد رزمه می‌کنند جلوی نمایش خانگی را بگیرد که سینما فروش کند. چه ربطی دارد؟ در آمریکا بیشترین سریال‌های نمایش خانگی ساخته می‌شود و سینمایی‌ها باقدرت کار می‌کند. اتفاقاً سینمای آنجا که خصوصی است برای اینکه بپا بایستد باید توان رقابت با نمایش خانگی را داشته باشد. به نظر اتفاقاً ارتقای آثار تلویزیونی موجب ارتقای نمایش خانگی می‌شود. این

رقابت سالم و مفید است. اگر اینها به عنوان رقیب، یکدیگر را جدی بگیرند هر سه پیشرفت خواهند کرد. تا زمانی که رقیب جدی پیدا نشود توانایی‌ها محک زده نمی‌شود. به نظر من این رقابت میمون است و باید از آن استقبال کنیم. **ایرج محمدی:** به نظر باید زاویه دیدمان را نسبت به یک مدیوم جدید که وارد عرصه رسانه‌ها می‌شود، درست کنیم. بنده و آقای عقیفه افتخار می‌کنیم که جزء تهیه‌کنندگان تلویزیون هستیم و سعی می‌کنیم به بهترین تعداد تلویزیون دست پیدا کنیم چون هیچ رسانه دیگری مخاطب تلویزیون را ندارد. وقتی سریالی را می‌سازید و ۷۰ میلیون جمعیت حداقل ۲۰ میلیون در یک لحظه پای رسانه بنشینند بسیار هیجان‌انگیز است و این مسئله در سینما و سایر رسانه‌های دیگر وجود ندارد. بیشترین فیلم سینمایی درحال حاضر با این کمبود سینماها زمانی دیده می‌شود که به «دی‌وی‌دی» تبدیل یا از تلویزیون پخش شود. نمایش خانگی یک فرصت برای عرض‌انداز و هنرنمایی همدان است. طبیعتاً در نمایش خانگی با ویژگی‌هایی که دارد و در تلویزیون نمی‌تواند باشد، به لحاظ ضوابطی که در تلویزیون وجود دارد، می‌شود کارهایی را ارائه داد که این کارها مخاطب وسیعی در جامعه داشته باشد. یکی از مشکلات نمایش خانگی نداشتن تهیه‌کنندگان حرفه‌ای است.

چون نمایش خانگی هزینه سنگینی دارد به سرمایه‌گذاران سپرده می‌شود که در کشورهای خارجی به صورت کمپانی عمل می‌کند و در کشور ما به صورت فرد است. الان انجمن صنفی فیلم‌سازان ایران به این حیطة ورود پیدا می‌کند که تهیه‌کنندگی به عنوان یک امر تخصصی در نمایش خانگی حضور فعال داشته باشد اما قطع مسلم این است که رقابت وجود دارد. هرچه این رقابت را جدی بگیریم بیشتر روی مخاطب تأثیر خواهیم گذاشت. استقبال مخاطب از آثار برتر است که این آثار برتر در تلویزیون، نمایش خانگی یا در سینماست یا گونه دیگری از رسانه که در آینده نه‌چندان دور شاهد آن به



ایرج محمدی



اسماعیل عقیفه



ایرج محمدی

نام «وی‌اودی» خواهیم بود که مردم روی موبایل یا تبلت می‌توانند سریال یا برنامه‌های دیگر تصویری را ببینند. در نتیجه هیچ‌کدام از اینها نمی‌تواند مانع جمع باشد، می‌تواند تکمیل‌کننده باشد. دراین‌میان وظیفه تهیه‌کنندگان این است در رسانه‌های مختلف جایگاه خودشان را پیدا کنند یعنی همچنان‌که شوق‌دزوق تهیه‌کننده در تلویزیون را داریم مایل به تهیه‌کنندگی در نمایش خانگی، سینما و VOD هم هستیم.

❧ به‌طور مشخص، منظورم این نبود نیروهای انسانی مثبت و کارآمدی را که در تلویزیون هست نادیده بگیریم. ما با یک روند مشکل داریم. تلویزیون آن قدر فضا را تنگ کرده که مثلاً شما اگر می‌توانید سالانه سه سریال خوب کار کنید، ترجیح می‌دهید دو سال یک‌بار کار کنید تا بتوانید مخاطبان را راضی کنید و هم از آن سد بگذرید.

ایرج محمدی: به‌جسارت می‌گویم تلویزیون عرصه را تنگ نکرده. چون ما شبانه‌روز در تلویزیون هستیم. ما با ضعف‌های دیگری روبه‌رو هستیم. مثلاً در عرصه تولید در استطاعت تولید ضعیف هستیم. یعنی در بخش تهیه مثلاً پشتیبانی و لجستیک مالی واقعاً در تلویزیون حمایت مالی درست و صحیح برای تنها رسانه ملی کشور اتفاق می‌افتد. الان سریال‌سازی خیلی هزینه‌بر است. شما انتظار دارید ما در تلویزیون مثلاً سریال LOST بسازیم؟ واقعاً قدرت مالی‌اش را داریم؟ اگر در تلویزیون یک سریال به طور میانگین ۲،۵ میلیارد هزینه داشته باشد وقتی به نمایش خانگی بیاوریم باید همه عناصری که جذاب‌کننده آن

هنر



عکس سینما پرس، امیر حسین غفتمظفر

محصول است را ایجاد کنیم و هشت میلیارد برآورد می‌شود و تلویزیون قادر نیست سالانه مثلاً پنج سریال نظیر «شهرزاد» بسازد. دوستان ما در تلویزیون با پولی که دارند هنرنمایی می‌کنند. دوم اینکه آیا ما واقعاً زیرساخت‌های انسانی را درست ساماندهی کرده‌ایم؟ اینجا خود تلویزیون هم زیر سؤال می‌رود. ما در دهه ۷۰ کلی نیروی انسانی از بازیگر، تهیه‌کننده، نویسنده پرورش دادیم اما الان با کمبود بازیگر در ژانر طنز مواجه هستیم! چند کارگردان در ژانر طنز داریم؟ به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد. حتی تهیه‌کننده طنز نداریم. این امر نشان می‌دهد این مشکل را در زیرساخت کل کشور داریم که تربیت نیروی انسانی را دنبال نکرده‌ایم. درنتیجه با تکرار مکررات در سریال‌ها مواجه می‌شویم. الان طرح قابل عرضه با جسارت کامل به تلویزیون برپید استقبال می‌شود اما وجود ندارد. درست است ممیزی‌ها و سلیقه‌ها هم وجود دارند یا دست‌به‌دست گشتن مدیریت‌ها پشت‌سر هم و نبود نوعی هم‌گرایی در مدیریت به تلویزیون ضربه می‌زند اما واقعاً از نظر ساختار نیروی انسانی هم ضعیف هستیم.

❧ وضعیت امروز تلویزیون مطلوب نیست. مثلاً در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تلویزیون تجربیات خوبی داشته و آمار بیننده‌ها بالاتر بوده. در ۱۰ سال اخیر رقای کردن کلفتی وارد عرصه رقابت شده‌اند. تلویزیون با عملکردش از آنها عقب مانده. نیاز بود تلویزیون پویایی بیشتری داشته باشد. مثلاً در چند سال گذشته تغییرات و تحولاتی در سطح جامعه رخ داد که تلویزیون نسبت به آنها خنثی عمل کرد و بسیاری اتفاقات دیگر باعث شد تلویزیون مخاطب خودش را از دست بدهد. بخشی از مخاطب مربوط به حوزه نمایشی است. اگر پخش ورزش و فوتبال را از تلویزیون بگیریم مخاطبان بیشتری را هم از دست خواهد داد. حالا نمی‌توانیم بگوییم ما با افتخار در تلویزیون کار کرده‌ایم. اما به جز آقای طهماسب که «کلاه‌قرمزی» را یا خانم برومند که «شهر موش‌ها» را نمی‌سازد، دوف نفر دیگر را معرفی کنید که در عرصه سینما یا تلویزیون و نمایش خانگی کار کنند؟ این امر چرا تداوم پیدا کرد؟

ایرج محمدی: به‌عینه در صحنه کار می‌کنیم. داخل گود هستیم. وقتی می‌خواهم سریالی در تلویزیون کار کنم از طرف تهیه‌کننده حمایت مالی نمی‌شود. تلویزیون هم دستش خالی است. بارها به مسئولان تلویزیون گفته‌ام زمانی سازمان صداوسیمای سازمان هزینه بود. سازمان صداوسیمایا باید به سازمان هزینه و درآمد تبدیل شود. در بخش درآمدزایی در تلویزیون ضعیف عمل می‌کنیم. الان رقیب ما سینما یا نمایش خانگی نیست. ما هجهم صد، ۲۰۰ کانال فارسی‌زبان داریم که با آنها باید دست‌وپنجه نرم کنیم. بحث اصلی این است اگر بودجه کافی داشته باشیم، مدیری که مسئولیت جایی را قبول می‌کند باید دستش در دو بخش مالی و نیروی انسانی پز باشد. اگر این دو در کنار هم باشند، تولیدات و آثار جواب‌گو خواهد بود. زمانی که تلویزیون تنها بوده و سینما برای خودش لکل‌ولک می‌کرد، هیچ‌کدام از شبکه‌های ماهواره‌ای یا عناصر تلگرامی و فضای مجازی نبودند. مثلاً این است یک نکته برای در یک محل کفاف آن محل را می‌داده و با ازدیاد جمعیت نیازمند ناوایی‌های بیشتر هستیم. ولی این اتفاقات نیفتاده است.

❧ مثلاً وقتی تلویزیون این همه رقیب را می‌بیند، باید کمی نرمش نشان دهد و با جامعه پیش برود. چرا صدای برخی از افراد جامعه ما در فیلم‌ها و سریال‌هایمان شنیده نمی‌شود؟

ایرج محمدی: مسائل روز جامعه همین مواردی است که در گفت‌وگوهای روزانه مردم است. وقتی با موضوع روز سریال می‌سازیم شایسته است با هنرمندی از صحبت‌های روزانه مردم مثل اخلاص و حقوق‌های نجومی صحبت کنیم. لازم است این موارد در سریال‌های ما باشد. مثلاً دکتر میرباقری به دلیل حوزه فعالیتش در وزارت کشور علاقه‌مند به این موضوعات است و به ما گفته‌اند خط قرمز مضمونی برای خودتان قائل نشوید.

❧ خب، خروجی‌اش چیست؟

ایرج محمدی: در حوزه سریال صحبت می‌کنم. ما همین دغدغه را با دکتر میرباقری مطرح کردیم و ایشان پیغام دادند خط قرمز مضمونی نداریم. امیدواریم با این فرآیندی که در یک سال اخیر در تلویزیون شروع شده و نگاهی که به حوزه پژوهش وجود دارد بخشی از مشکلات حل شود. اما همه به دست بخش سریال‌سازی تلویزیون نیست. بنده و آقای عقیفه در حوزه نمایش می‌توانیم حرف‌هایمان را بزنیم. تا این لحظه هیچ‌کدام از طرح‌های من و آقای عقیفه که ارائه داده‌ایم دچار سانسور مضمونی و ساختاری نشده. گله ما اتفاقاً همین است اگر من و آقای عقیفه یا تهیه‌کنندگان امثال ما می‌خواهند به جایگاهی برسند که مخاطب تلویزیون بروز باشد آن امکانات وجود ندارد.

❧ چطور می‌توانید این صداها را منتقل کنید؟

محمدی: بنده و آقای عقیفه در شورای پروانه ساخت نمایش خانگی هستیم. در بخش نمایش خانگی سریال‌های شاهکوش، قهوه تلخ و شهرزاد را داشتیم که برای شهرزاد به‌اصطلاح مشتری‌ها گل کرد و بقیه در سطح میانگین بودند. الان که در شورای پروانه ساخت هستیم طرح درخ‌ور توجهی ارائه نمی‌دهند.

❧ به نظرمان علت چیست؟

محمدی: چرا خودمان را گول می‌زنیم. بضاعت هنری ما ضعیف است.

❧ شاید بخشی از این اتفاق به دلیل خودسانسوری باشد.

محمدی: از آقایان داوود میرباقری، فتحي و نجفی سؤال کنید چقدر کارشان در نمایش خانگی سانسور شد. مشکل ما این است قدرت و استطاعت کار هنری نداریم. الان سالی حدود صد کار تولید می‌شود اما چند کار خروجی‌اش مثل «شهرزاد» ند؟

❧ مشکل چیست؟

محمدی: الان بنده و آقای عقیفه به عنوان تهیه‌کننده برای یک طرح خوب و جدید خیلی راغبیم که جوان امروزی ببینند، اما وجود ندارد!

ادامه در صفحه ۱۲

روزنه آبی

بهروز غریب پور از جنبه‌های دراماتیک حماسه‌ملی می‌گوید

شاهنامه و ما

شرق: نشست شناخت جنبه‌های دراماتیک شاهنامه فردوسی در نمایش عروסקی به همت انجمن علمی نمایش عروסקی دانشکده سینما تئاتر با حضور دکتر بهروز غریب‌پور و جمعی از استادان و فعالان این رشته در سالن کنفرانس پژوهشکده هنر دانشگاه هنر برگزار شد. نشست بررسی جنبه‌های نمایش عروסקی در شاهنامه فردوسی، در سالن پژوهش پردیس باغ ملی دانشگاه هنر، با حضور استاد بهروز غریب‌پور بررسی شد. در ابتدای این نشست بخش‌هایی از اپرای «رستم و سهراب» به کارگردانی غریب‌پور برای دانشجویان نمایش داده شد و بعد از آن، استاد بهروز غریب‌پور در درباره تجربیات خود در ساخت اپراهای عروסקی برای دانشجویان توضیحاتی ارائه داد.

غریب‌پور درباره جنبه‌های دراماتیک شاهنامه و آثار کلاسیک ادبیات فارسی گفت: «ما با به‌کارگیری تعزیه نشان دادیم ملتی باهوش و باذکاوت هستیم و با هنر، مدیریت آن را برعهده داشت، درباره تجربیات خود در ساخت اپراهای عروסקی برای دانشجویان توضیحاتی ارائه داد.

غریب‌پور درباره جنبه‌های دراماتیک شاهنامه و آثار کلاسیک ادبیات فارسی گفت: «ما با به‌کارگیری تعزیه نشان دادیم ملتی باهوش و باذکاوت هستیم و با هنر، مدیریت آن را برعهده داشت، درباره تجربیات خود در ساخت اپراهای عروסקی برای دانشجویان توضیحاتی ارائه داد.

غریب‌پور درباره جنبه‌های دراماتیک شاهنامه و آثار کلاسیک ادبیات فارسی گفت: «ما با به‌کارگیری تعزیه نشان دادیم ملتی باهوش و باذکاوت هستیم و با هنر، مدیریت آن را برعهده داشت، درباره تجربیات خود در ساخت اپراهای عروסקی برای دانشجویان توضیحاتی ارائه داد.

غریب‌پور درباره جنبه‌های دراماتیک شاهنامه و آثار کلاسیک ادبیات فارسی گفت: «ما با به‌کارگیری تعزیه نشان دادیم ملتی باهوش و باذکاوت هستیم و با هنر، مدیریت آن را برعهده داشت، درباره تجربیات خود در ساخت اپراهای عروסקی برای دانشجویان توضیحاتی ارائه داد.

ادامه در صفحه ۱۲

تماشاخانه

نگاهی به نمایش مردگان بی‌کفن‌ودفن نوشته‌ژان پل سارتر، کار عباس ابوالحسنی

اصالت وجود

احمد رحیمی (نوردآموز)

صحنه، بی هیچ آرایشی فراخ و گسترده است... درست مانند زندگی نیالوده به موارد زائد. اما تاریخ و موقعیت تاریخی انسان، این چشم‌انداز را دگرگون می‌کند. جهان در لِهیب جنگ می‌سوزد... در این بحبوحه جمعی از مبارزان و پارتیزانان فرانسوی به رهبری مرد جوانی به نام «ژان» گرفتار دام پلیس می‌شوند و مورد شکنجه قرار می‌گیرند. این فرازی است برای ورود به نمایش‌نامه «مردگان بی‌کفن‌ودفن»، اثر فیلسوف فرانسوی، «ژان پل سارتر».

زمینه بنیادین نمایش‌نامه برحسب دیدگاه فلسفی سارتر، اصالت وجود است. فلسفه اصالت وجود، امری دیرینه سال برای انسان است که در زبان و زمان سارتر به علت هجوم مصائب اجتماعی، سرشار از تالِمات معاصر است. هستی در این‌دِرام، بنیانی

اگزیستانسی دارد. جنگ در سویی و مبارزه انسان متعهد و آگاه در میدانی دیگر جاری است. در بیرون، در صحنه‌های عینی در کوچه و خیابان درگیری شدید فیزیکی و در درون ساتنی‌متری ذهن آدمی، جریان بزرگ‌تری معطوف به آزادی و تعهد در میدان زیست‌مندانهِ همان انسانی که به‌شدت محدود است و قربانی شرایط می‌شود، جاری است. در این نِبرد چه آنکه در مناسبات ایدئولوژیک، همراهان و همبازان خود را برای حفظ جان و منافع شخصی خود می‌فرزد و چه آنکه خود را و یاران صديق خود را که مِهیای او برای صیانت از آرمانی مشترک می‌رزمند به ناگزیر قربانی می‌کند، درگیر موقعیتی است که تعهد و دلهره را با پس‌زمینه آزادی توأمان رقم می‌زند، به باور سارتر، انسان ناگزیر از عصیان است چراکه سرکشی او گوهر آزادی است و این فرایند ناگزیر از زیستن و دست‌وپنجه‌نرم‌کردن با جبر و تنگنای زندگی است.

نمایش‌نامه «مردگان بی‌کفن‌ودفن»، نوشته «سارتر» و به کارگردانی «عباس ابوالحسنی» که از شرایط اکسپرسیونیستی جنگ جهانی دوم و نیز سرسختی تضادها، زندگی و محدودیت انسان ریشه می‌گیرد، فضای دو ساحت تاریخی انسان را بازتاب می‌دهد و

سرشار از تالِمات معاصر است.

نخستین عامل در گرائش این‌ اجرا برای مخاطب، مشاهده خشونت‌شدید در صحنه است. هر یک از بازیگران با قدرت تمام در نقشی که دارند ظاهر می‌شوند. حرکات، فیکورها، ژست‌ها، میمیک‌ها و دیالوگ‌های سرد و تند و عموماً خشونت‌آمیز، تمامی قوای حسی بیننده را متوجه خود می‌کند. از این منظر اجرا بسیار موفق است و به‌درستی طراح، موقعیت انسان در دشوارترین لحظات زندگی‌اش را بازتاب می‌دهد. اجرای درخشان و پرفرقت، خود حاصل و نشاتگرفته تجربه و حضور دست‌اندرکاران به صورت جدی و حرفه‌ای در صحنه تئاتر است. هرچند که اجرا و برداشت‌های مختلفی می‌توان از این متن داشت. احساسی که هر یک از بازیگران صحنه حامل آن هستند، بی‌هیچ درنگ و شائبه‌ای به بیننده منتقل می‌شود. شاید کمتر تماشاگری را بتوان در هنگام تماشای این بازی متصور شد که فارغ از دلهره باشد،

هرچند آشکار است که ژان پل سارتر است که این نمایش‌نامه را در میدان ساتنی‌متری ذهن فلسفی خویش که کران و مرز نمی‌شناسد، به‌روشنی و با ابهام ویژه خود بازی کرده است و ما که فرزندان تلخ شرایط نامطلوب تاریخیم و شاهد بازتولید همان موقعیت دشوار، به زمانه‌ای دیگر، به‌درستی آن درد عظیم و جانکاه تاریخ را اینجا، در قلمرو هنر دنبال می‌کنیم. به نظر می‌رسد که بازی، مهر تأیید می‌گذارد بر اندیشه سارتر که انسان را تنها در فرایند حرکت خویش به‌سوی شدن می‌بیند. جبرگرایی کریژنابذیری را در راستای تبیین هویت انسان، در یک موقعیت تاریخی به پرسش می‌گیرد و او را بر سر چهارراه انتخاب دشوار و پراضطراب قرار می‌دهد.

چه تیب اندیشگی که هر یک برآمده از ططن زندگی و حاصل فرایند تاریخ است مقابل یکدیگر واقع شده‌اند و موقعیت انسان آن عصر را نقش می‌زنند. همه ناگزیر در انتخابند. یکی به شیوه «ژان» دست به انتخاب می‌زند، دیگری به راه و رسم «لوسی» که عمل او یادآور حرکت «آمنمون»، قهرمان جنگ تراوا در یونان باستان است، البته بی‌آنکه پای نیروی متافیزیکی و غیبی در میان باشد؛ «اینجا انسان به اراده و خواست خود انتخاب می‌کند». آیا لوسی چنان عملی خلاف مرتکب می‌شود که برادر خود را به قتل می‌رساند؟ پرسشی است که پاسخ آن به‌شدت سیال و مبهم است. معیار انتخاب، عقل بشری است و نه قدرت متافیزیکی و این خود، حاصل شرایط و موقعیت است. دراین‌میان فرانسوا قربانی نگاه گروه می‌شود؛ قربانی آن‌ان بشریت به باور رزمندگانی که دست‌خوش دام پلیس شده‌اند. آزاد فرد مسئول نجات بشریت است. این نکته گوهرین اندیشه اگزیستسیالیسم سارتر است. «من در برابر همه مسئولم». نکته بنیادین اندیشه سارتر درک موقعیت است، نه تکیه بر امری یکه و یگانه و ازپیش‌تعیین‌شده... چنان‌که شخصیت دیگر نمایش «سوربیه» نیز در همین ایستا دست به انتخاب می‌زند و از ترس اینکه نتواند زیر شکنجه دوام بیاورد، خود را از پنجره به بیرون پرتاب و خودکشی می‌کند. این ویژگی را می‌توان در تکتک بازیگران دنبال کرد، اما درکل سوربیه اقتدار نمایشی‌گر بر جان‌مایه فلسفی اثر سارتر غالب است و جا دارد که گفتمان فلسفی و درگیری‌های ذهنی دو گروه و همین‌طور درون‌گروهی مبارزان در فرم اجرا و در دیالوگ‌های آنان برجسته‌تر شود. به نظر می‌رسد در حین خشونتی که از نکات قوت این اجراست، سوبیه‌های فلسفی اثر اندکی تحلیل رفته و گاه به حداقل گفتمان و معاوضه فلسفی در خود متن و مقام ژان پل سارتر تقلیل یافته است.